

روزه جنگ ایران و عراق

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۵۹ بها ۵ ریال

خبرنامه جنگ

- بمباران کرمانشاه صدها کودک و زحمتکش راه خاک و خون کشید صفحه ۵
- ارتشیان عراق چگونه اسلام می آورند صفحه ۸
- فرماندار کوچصفهان فالانترها را علیه سازمان بیکار بسیج میکند صفحه ۶

رژیم ۳ پیکارگر دلاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

صفحه ۲

جنگ و گروگانهای آمریکائی و اسلحه آمریکایی

جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرمتی است تا ارتجاع ایران بتواند مناسبات خود را با امپریالیسم خونخوار آمریکا عادی سازد. هما نظور که میدا نیمه های حاکمه ایران بکمال پیش برای آنکه جنبش خلق ایران را به انحراف بکشانند و یا به های متزلزل خود را تثبیت نمایند، به اشغال بفسارت بانکی ها و گروگان گیری جا سوسان آمریکا اقدام نمود. رژیم ایران در سوئی و کرنا فریا دزدکه: "این است مبارزه خدا مهربا لیستی".

جنگ، تبلیغ خرافات، فریب توده ها

صفحه ۸

ادامه جنگ و تشدید خفقان و سرکوب و برخورد سازشکارانه رهبری مجاهدین

صفحه ۸

کود تاچیان خائن آزاد میشوند

صفحه ۵



حرفهای مردم درباره جنگ

صفحه ۷

حال آنکه این فریبی بیش نبود. رژیم ما هیتا نمی توانست برعلیه امپریالیسم آمریکا مبارزه کند زیرا او از سرمایه داری وابسته ساری کس کرده و جنبش و انقلابیون را سرکوب می نمود. و این امر همچنان ادامه دارد. این رژیم اساس قراردادهای اسارت با امپریالیسم آمریکا را حفظ کرده و لی در همان حال بدروغ فریسا د میزد که با مطلق خدا مهربا لیست است. امروز بکمال پس از واقعه سفارت و در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق ماهیت فریبکارانه رژیم پینخوا شکاری برملا می شود. رژیم که تا بحال از گروگانها برای منحرف ساختن توده های مردم استفاده میکرد، در حال حاضر که استفاده های خود را از آن کرده و در عین حال احتیاج به اسلحه آمریکا می دارد، در پی آن است تا در مقابل استرداد گروگانهای جا سوس تا تک و فاش نمودن آمریکا می دریافت کرده و قطعات بدکی مورد نیاز خود را تا میسن بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رژیم ۳ پیکار کرد لاورا در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

در شرايطی که رژیم با آزادی گروگانهای جاسوس، نزدیکی بیش از پیش خود را با امپریالیسم نشان میدهد، در شرايطی که رژیم بدروغ با عنوان مبارزه با امپریالیسم، توده های منطقه جنگ زده را در نبردنا غا دلانها دولت ارتجاعی عراق به کشتن میدهد، رژیم خفقان و سرکوب را تشدید کرده است و بدین ترتیب به ترور و تیرباران کمونیستها و انقلابیون پرداخته است.

رفیق پیکار که شهید شکرالله دانشیر مسئول جادرا مداد هواداران سازمان پیکار در آبادان بجرم عشق به زحمتکشان و کمک به مردم جنگ زده و هواداری سازمان در ۲۷ مهر تیرباران میشود پس از آن خلفای جلاد، دو پیکار کرد لاوردیگرا در آغا جاری بدون بازجویی در یک دادگاه صحرایشی بدون آنکه اجازه دفاع به رفیقایمان را بدهد تیرباران میکند. این دور رفیق، رفیق محمد شرامی که رگر کمونیست صنعت نفت و رفیق منوچهر نیک اندام، معلم کمونیست، که در زمان شاه نیز دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته بودند، بجرم پخش اعلامیه سازمان تیرباران میگردد. رژیم هیچ مدرکی از رفقای ما در مورد پخش اعلامیه نیز نداشته، فقط عنوان میگردد که روز قبل در شهر اعلامیه پیکار پخش شده است جان حسنی شهبازی که تیدای مورد

حمایت سازمان در آغا جاری که یک نفتگر انقلابی است به همراه عده ای دیگر از هواداران سازمان در خطر است. رژیم بیهوده می اندیشد که با ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها میتواند مانع آگاهی توده ها شود. رژیم نمیتواند دست خون آلودش را در سرکوب زحمتکشان و کشتن انقلابیون و کمونیستها بشوید. ما چهره گریه این رژیم جنايتکار را به توده ها نشان خواهیم داد و با ادا مراه رفیقان شهیدمان تا آخرین نفس با امپریالیسم و ارتجاع خواهیم رزمید. بقول رفیق شهید منوچهر نیک اندام در ملاقات با همسرش در شب تیرباران:

"دشمن به ما کینه دارد و رحم نخواهد کرد، ما هم نیا بدیهه و رحم کنیم مبارزه طبقه ای یعنی بی رحمی نسبت به دشمن طبقه ای."

آری، رفقا ما کینه شما را که کینه مملیونها زحمتکش ایران بود در دل خود حفظ میکنیم و ناله بودی ستمگران و جنايتکاران و پهلوی زحمتکشان به ما مبارزه آشتی ناپذیر خود ادا می دهیم ما به خون پاک شما شهیدان انقلاب سوگند یاد میکنیم که به آرمانتان که آرمان طبقه کارگر بود تا آخرین نفس وفادار بمانیم.

یادشان گرامی و آرمانشان جاودان باد!

بقیه از صفحه ۳ خبرهایی

کا رخا نه قندا سلام آباد، این کا رخا نه منهدم و غیر قابل استفاده گردید. بهنگام بمباران کا رگران در کا رخا نه نبودند آنان علمبرغم تهدیدها و فشارهای مقامات دولتی حاضر نشدند در شرايط جنگی و در زیر باران بمب ها بکار مشغول شوند. ولی یک کارگر زحمتکش بنام حسین باقری در زیر آوارمانده و تید شد. و سه نفر دیگر به سختی مجروح گردیدند. در این جنگ ارتجاعی ۸۰۰ کارگر

کا رخا نجات قندا سلام آباد بیستون کار خود را از دست داده و عده زیادی از زحمتکشان این مناطق زخمی شده اند در روزهای نخست جنگ نیز در شهرک "اما خمینی" ۱۴ زحمتکش بهلاکت رسیدند. در اتریمباران روستاهای اطراف کرمانشاه ۱۵ الی ۲۰ دهقان زحمتکش شهید شدند و آسیب فراوانی به زمینها و وسایل کشاورزی آنها وارد آمد. پیکاری و فلاکت آرمغان این جنگ برای کارگران و زحمتکشان است.

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

نماید. این اقدام دو مسئله را به روشنی اثبات میکند:

اول آنکه ما نظور که با رها گفته ایم رژیم ایران غذا مهربا نیست نیست و هرگز نمی تواند با شدو آزادی گروگانهای جاسوس و حرکت در جهت برقراری مناسبات عادی با آمریکا این امر را بوضوح اثبات میکند.

دوم آنکه رژیم ایران برای پیشبرد این جنگ ضد مردمی از امپریالیسم آمریکا اسلحه و مهمات خریده و از این طریق وابستگی ایران به امپریالیسم را تشدید میکند.

بنابراین رژیم جمهوری اسلامی خیانتت را به اوچ میرساند. بنان دیروز و امروزه آمریکا فحش داده و میدهد، ما در عمل به منافع آمریکا جواب مثبت می دهیم. کوبند جنگ ارتجاعی عالمی گشته تا مناسبات میان ایران و آمریکا بهبودی پیدا کند. جنگ ایران و عراق عالمی گشته تا امپریالیسم آمریکا مهمات جنگی خود را بیشتر بفروشد و سودهای بیشتری بجنگ آورد. جنگ کنونی عالمی گشته تا رژیم جمهوری اسلامی بیشتر مسلح گردد و بیشتر به سرکوب جنبش خلق و کمونیستها و سایر انقلابیون بپردازد.

رویز بیونستهای حزب توده خا شن و چریکهای فدائی (اکثریت) بدروغ می گفتند آمریکا میخواهد رژیم ایران را سرنگون کند. آنها با این تبلیغات دروغ در بی آن هستند تا توده های ستمدیده را با دشمن خود آشتی دهند، علاوه بر رویز بیونستها یکسری از نیروهای انقلابی و کمونیست هم به این افکار انحرافی در غلتیده و به این خاطر مردم را به شرکت در این جنگ ارتجاعی دعوت نمودند. اما واقعیت بر علیه خلق ما و خلق عراق است و تنها کسانی که از آن سود می برند رژیم های ایران و عراق و امپریالیستهای با شد آری این جنگ از جمله عملا در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است. دولت کارگر گروگانها را پس میگشرد، موقعیت خود را در انتخابات آمریکا تحکیم میکند و از طریق فروش اسلحه سودهای جدیدی به جیب میزند.

توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

بمانید و کشته شوید تابه شما حقوق بدهیم!

در خبرهای قبلی گفتیم که (شما سی) یکی از مسئولین صنعت نفت اهواز در اطلاعیه‌ای به کارکنان صنعت نفت اخطار کرده بود که غیبت کارکنان به حساب مرخصی سالیانها گذاشته شده و اگر از این حد تجاوز نماید، مرخصی بدون حقوق به حساب می آید. کارکنان از خود می پرسند:

اولا: اگر جنگ طول بکشد و مرخصی بدون حقوق به ما تکمیل شود چگونه و نتیجه‌های خود را که اکنون آوار شهرها و روستاها هستند، تا آن بدهیم؟

دوما: مگر ما خواهان جنگ و ادا دادن آن بوده و هستیم که ضرورتی آنرا بر دوشیم. مگر نه اینکه ما نه به میل خود بلکه ناچار شده...

ایم خانوادهاى خود را از زیر بمبارانها نجات دهیم، با این اطلاعیه‌ها، انگار که ما مسیبن جنگ بوده ایم و باید توبه کنیم؟

اما آخرین خبر از صنعت نفت حاکمیت که این آخرین امتیاز را هم از کارکنان گرفته و تمام مرخصی‌ها را لغو نموده اند و اخطار کرده اند که تا نیکه غیبت نمایند...

طبق مقررات زمان جنگ رفتار میشود. بدین ترتیب رژیم میکوشد، مردم بیگناه را زیر بمباران توپها و تانکهای رژیم...

داخلی عراق به کشتن بدهد. اما جواب مردم ما به این جنگ "نه" میباشد.

ارتش فاشیست عراق

مردم عادی را به کروگان می‌گیرد

در ادا مه جنگ ارتجاعی دولتهای سر - کوبگرایان و عراق رژیم فاشیستی باعث اقدام به دستگیری بسیاری از هم - وطنان بیگناه ما کرده است. در این خصوص نکات زیر قابل ذکر است:

۱ - ارتش مزدور عراق در هر شهرواده و روستایی که مختصر تسلطی پیدا میکند، اقدام به دستگیری مردم عادی که در جنگ شرکتی نداشته اند میکند. در ضمن مباحثه با اسرای ایرانی در ادا مه عراق، همه

اخبار متفرقه جنگ

'گوشت دم توپ سرمایه داران' یا 'کیسه شن' در ارتش ارتجاعی

در پادگان سلطنت آباد ۱۵۰۰ نفر از افراد منقضی خدمت با صلاح دوره میبندند ولی با بدگفت روز بروز مقاومت افراد در مقابل جنگ غیرعا دلانه زیادتر میشود عده زیادی که تا آن آوارخانه هستند نگران سرنوشت خانوادهاشان هستند هنوز خبری از حقوق نیست.

افسر وظیفه‌ای میگفت "من برای چه به جبهه بروم؟ زکدام وطن دفاع کنم؟ وطنی که برای من نه کار دارد، نه خانه نوزدگی؟! افسردیگری میگفت محال است حاضر شود به کردستان برود، عده دیگری هم قبلا به فرماندهان گفته اند "دشمن در جنوب است و شما ما را به کردستان میفرستید؟!"

تفا دبین درجه داران و افسران بسیار زیاد است کسی حاضر به رعایت نظم و انضباط دیگته شده از بالا نیست. درجه داران علنا به افسران میگویند که "شما به مردم خیانت میکنید و بهمن سادگی انرژی و پول مردم را تلف میکنید."

کارگزار حتمتگی که به زور به پادگان آورده شده است به افسران رش میگفت که چرا وقت ما را بیخودی تلف میکنید، من به چه دردا رتس میخورم "افسر مزدور با پروشی جواب داد: "از تو بعنوان کیسه شن استفاده خواهند کرد" آری این منطق فرماندهان مزدوری است که در نظام ارتجاعی باار آمده اند و اکنون مدعی فرماندهی "جنگ مردم" علیه "دشمنان میهن اسلامی" هستند خبرهایی از جبهه جنگ

خبرهایی از "جبهه غرب"

- در اولین روز شروع جنگ، در اثر شنها جمیع های روسی ارتش بعث عراق بیش از ۱۴۰ نفر از مردم زخمی و بی دفاع این شهر به هلاکت رسیدند.
- در همین روز در اثر حمله میک های عراقی به مقر "هوا نیروز"، ۶ کارگر ساختمانی به شهادت رسیدند.
- در اثر بورش هواپیما های عراقی به بقیه در صفحه ۲

با مهی کسانى چون "کارمند باسک سونگره" معلم قمر شیرین "محمل سیرل - ذهاب" "کارگران حفاری صنعت نفت" و غیره بر میخوریم که خانوادهاى بسیارى را در نگرانی به سرنوشت کسان خود فرو برده اند.

۲ - تقریبا تمام اسرای دستگیر شده (چه ارتشیان سربا زوجه افراد عادی) در مصاحباتی که بوسیله عمال دولت ضد خلقی عراق، با آنها میشود، خواهان این جنگ نبوده و علیرغم فشارهای رژیم عراق، خواست خود را برای قطع این جنگ عنوان میکنند.

مردم جنگ زده در راهها نیز در امان نیستند

مردم جنگ زده جنوب که در پی پناهما - هی خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره بسا یا آنها و راهی دیار دیگر میشوند در بیرون شهرها نیز مورد هجوم ارتجاعی عراق قرار میگیرند. جندی پیش گروهی از حتمتکشان آبادانی که ما زمندراما - شهر بودند چندین بار مورد حمله عراقیها قرار گرفتند. در یکی از این حمله ها در اثر اصابت راکتی ۲۰ نفر از آوارگان جنگ - زده در جاده آبادان - ماهشهر به شهادت رسیدند

رژیم از افشای حقایق وحشت داران

سربازانی که از جبهه برسی گشتند و در جواب سئوالات مردم حقایق را به آنها می گفتند بوسیله فرماندهان مزدور خود از این کار منع شده و به آنها گفته میشود "برای" حفظ اسرار نظامی "نباید همه چیز را گفت. بنی صدر نیز در نطق تلویزیونی ۲۲ مهر ماه خود در مورد اخبار جنگ گفت: "دنبوع خبر داریم، بعضی اخبار رو فایع است که خوب رسانده ما میگویند، بعضی اخبار جنگی است که اسرار نظامی ارتش است و ما بدینا ند" (نقل به معنی) ارتجاع از بازگو کردن حقایق جنگ وحشت دارد.

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

بقیه از صفحه ۸ ادامه...

ما هیت نا پیگیر خود به کرنش در برابر سرب
 هیات خاکمه ضد خلقی برداخته و میکوشدنا
 با اجازه سردمداران مرتجع رژیم فعالیت
 خود را به پیش ببرد یکبار دیگر به بن بست
 میرسد. این رهبری بدنیال تنها جسم
 تبلیغاتی مدافع انقلاب انتشار تشریه محاهد
 را متوقف کرد. محاهدین سعی کردند در
 مقابل تبلیغات ارتجاعی سکوت پیشه
 کنند و دوباره از فدا انقلاب اجازه رسمی
 محکمتری برای تشریه دریافت کنند. اما
 ارتجاع به حرکت خود ادامه داد و همانطور
 که می بینیم و تشریه متعلق به این سازمان
 که تازه بافتنای ما هیت ارتجاعی جنگ
 نبرد اخته را ممنوع نمود. رهبری محاهدین
 فکر میکند با مظلوم نمایی و عقب نشینی
 میتواند از ارتجاع امتیاز بگیرد. چنین
 تفکری فقط بر اساس یک سیاست سازشکارانه
 نمکن است. حال آنکه عقب نشینی ارتجاع
 بدنیال فشار و مبارزاتی نوده ها مسراست
 و تازه انقلابیون و خلق ایران مبارزه
 نمیکند تا ارتجاع امتیازی بدهد. آنها
 مبارزه میکنند تا خود به حاکمیت برسند و
 برای رسیدن به این امر امکان
 پیشرفت مبارزه طبقاتی را با آنکه به
 نوده ها بطور انقلابی بوجود می آورند. آری
 ما برخلاف رهبری محاهدین هیچ انتظار
 نداریم که ارتجاع ایران برای تشریه
 انقلابی اجازه بدهد. ما خارج از خواست
 ارتجاع تشریه انقلابی را بطور انقلابی
 چاپ کرده و در دسترس نوده ها قرار میدهم.



کرده که با ۷ سرعائله از کاراملی خود که
 قالب زنی بوده (وقبلا از این راه ۸۰ هزار
 تومان در آمد داشته) بیگانه شده و ناچار به
 لبو فروشی روی آورده است که اینهم کفاف
 خرج و مخارجش را نمیدهد و مرتب هم باید
 با مردم عوا کند که چرا برای یک تکه کوچک
 لبو ۲ تومان میگیرد. حال آنکه او برای
 گذران زندگی خود و عائله اش در همان حد
 بخور و نمیر، ناچار است لبو را به این قیمت بفروشد

وضعیت ما مستضعفان همین است که اگر
 اینجا بمانیم! اینجا سرکوبمان میکنند و
 اگر به جنگ برویم آنها تازه در صورت
 پیروزی هم هیچ چیزی نصیب ما نخواهد شد
 و با زاین سرمایه داران هستند که با خود
 را خواهند بست و سودشان را خواهند برد.
 بعدا در مقایسه با زندگی سرمایه داران،
 از فشار گران و زندگی سخت خود صحبت

حرفهای لبو فروش

۵۹/۷/۵

خبایان جمهوری، لبو فروش در ضمن
 پوست کندن لبوها در مورد جنگ و نصیب
 مردم زحمتکش از آن میگفت: "سربازان هر
 دو طرف از مردم فقیر و بیچاره هستند که در
 واقع هیچ دشمنی با هم ندارند و این
 سرمایه داران هستند که آنها را به جان هم
 انداخته اند و سودتشان را با هم خودشان می
 برند، والا از این گشت و کشتارها هیچ
 چیز نصیب مردم زحمتکش نمی شود. سرمایه
 داران خودشان در پستهای وکالت و
 وزارت و ریاست نشسته اند و به ما میگویند
 که باید بروید جبهه جنگ والا اعدام میشوید

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را
 محکوم می کنیم!

کودتایان خائن آزاد میشوند

تاکنون ۶۰ نفر از کمانیکه در توطئه "خائنانه" کودتا شرکت داشته اند، مورد عفو آیت الله خمینی قرار گرفته اند تا "برادرانه" به جبهه جنگ بروند. آیا به راستی مردم ما "خائنان یک ما" به پیش "برادران امروز" خود میداند؟ هرگز!
از جمله "خائنین" آزاد شده، فرمانده سابق دژبان میماشی، سرهنگ فرزانه (که به فرماندهی پادگان دزفول منصوب گردید) سرهنگ موسوی زادگان، سروان میماشی و سروان علی یاری می باشند.
جالب است که یکی از همین "برادران" آزاد شده، خود را تسلیم مقامات عراقی کرده است. این جنگ موقعیت دیگری است تا مردم ما به ما هیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی واقف شوند: آنان بسا فرماندهان مزدور کودتای وحشتناکند تا به اهداف ارتجاعی خود برسند. آیا به راستی جنگی که چنین فرماندهانی آنرا هدایت میکنند میتواند عادلانه باشد؟

● ● ●
پایگاه نوزده (همدان) سرگرد خلیانی که قبل از جنگ دزفول به اتهام "زنا" به ۸۰۰ ضربه شلاق در ملاعاموان محال از خدمت محکوم شده بود پس از آغاز جنگ مجدداً دعوت به خدمت شده و به میماشی "اسلامی را بر روی مردم گافز" عراق می-ریزد. رژیم چنانکه تاری که دختر ۱۸ ساله حامله ای را به همین دلیل اعدام کرده است. برای رسیدن به هدفهای خائنانه خود از افسران مزدور خراجی استفاده می-کند و شب و روز از "تقوی" و "زهد" و "ایمان و ایثار" و... میزند.

● ● ●
سرهنگ دوم منوچهر خلیانی فرمانده اکتب تاج طلایی (عالیترین اسکا دران نیروی هوایی شاه) که پس از قیام بهیمن بازنشسته شده بود به دعوت بنی صدر دوباره بکار گرفته شده است. البته وی ابتدا مخالفت کرده ولی با یک مهلت ۲۲ ساعته این "دعوت" را پذیرفته است. قیام بنی صدر در بریتانیا مباحظ فلسفی اش در تلویزیون بسیار دیدنی است هنگامیکه به کمونیست ها ایراد میکرد که گویا آنها معتقدند "هدف وسیله را توجیه میکند" !!

بمباران کرمانشاه صدها کودک و زخمی کش را بخاک و خون کشید

پنجشنبه ۲۴ مهر ۵۹ ساعت ۱۱ صبح این روز با ردیگر ارتش مدخلی عراق مناطق مسکونی را بمباران کرد. در این فاجعه دو فرزند میگ عراقی ارتش مرتجع عراق بمب های خود را بر روی مدارس رشیدی، کوازی، شاپور و دانشگاه هرازی فروریخت. در این مدارس بیشتر فرزندان زخمی کشان مشغول تحصیل هستند هنگام بمباران در دبستان رشیدی ۲۴۰ کودک با فشار آموزش و پرورش اجباراً سرکلاسی ها بودند که دو بیست نفرشان به شهادت رسیدند. در دو دبیرستان دیگر به علت نبودن محمل فقط به خدمت زخمی کش آنها آسیب رسید. بخش پزشکی رازی در شلوغ ترین منطقه شهر (میدان آزادی) قرار دارد و در زیر بمباران آن هر روز ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر دستفروش زخمی کش به فروش سبزیجات و دیگر مایحتاج مردم اشتغال دارند. در بمباران وحشیانه این روزها اکثر این زخمی کشان به وضع ترین شکلی به شهادت رسیدند.
شماره این جنگ تحمیلی غیر عادلانه برای مردم زخمی کش کرمانشاه شهادت بین ۵۰۰ الی ۷۰۰ نفر کودک بیگناه و افراد زخمی کش (آنهم فقط در یک روز) بود.
مقامات رسمی کرمانشاه برای کاهش خشم مردم اما رواقی جنگ را اعلام نکردند و فقط یکدهم کشته شدگان را اعلام کردند. سید زاده رئیس آموزش و پرورش و معاونش که از سبب کشتار دانش آموزان (بخاطر روانه اجباری آنها به کلاسهای درس) بودند با هراس از خشم مردم در بین مردم ظاهر نمیشوند اما مردم ما جواب اینهمه جنایت و کشتار را به آنان و کل رژیم منفور خاکمخواهند داد.



رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه ای اجیر میکند

آگهی زبرد اطلاعات پنجشنبه هشتم آبان ۵۹ به چاپ رسیده است.

پنجشنبه هشتم آبان ماه
شماره ۱۳۴۹ - شماره ۱۳۴۸

استخدام سرباز قراردادی

ستاد مشترک ارتش جمهوری آذربایجان سابق با همراه داشتن اسلحه ایران امروز اعلام شانیه شکر مبارک کرده است. شکر بیست و هشت و وقت شکر کند.
استخدام سربازان قراردادی
به ۱۳۹۱ نفر سرباز استخدام خواهد شد. این سربازان باید دارای این شرایط باشند: ۱- فارغ بودن از دبستان و داشتن حداقل نمره ۱۰ در امتحان سربازان قراردادی برای مدت یکسال. ۲- سلامت جسمی و عدم اعتیاد به هیچ ماده مخداری. ۳- این جمهوری اسلامی ایران به هر روز از ساعت هفت الی چهارده باستانی روزهای شنبه تعطیل به مرکز صفی کورد. ۴- سربازان قراردادی ایران واقع در خرابان جمهوری خلق اسلامی ایران.

نیازی به توضیح اضافی نیست رژیم درگرماگر جنگ ارتجاعی و تحمیلی بین ایران و عراق در ادا به سرکوب وحشیانه خلق کرد و نتوانی مزدوران سرکوبگوش و نیز خائنان سربازان برای اعزام به کردستان و کشتار و خلق کرد مجبور است استخدام سرباز مزدور گشته است. رژیم های ارتجاعی از تجربیات امپریالیست ها برای ادا به حکومت و سرکوب زخمی کشان بهره برده و خواهند بود. رژیم جمهوری اسلامی از اعزام مزدوران "لژیون خارجی" امپریالیست فرانسه به الجزایر برای سرکوب مزدوران سفید پوست از طرف امپریالیست های بلژیک برای کشتار و خلق کشتکوه... بخوبی درس گرفته است و آنرا در مورد خلق قهرمان کرد که از یک طرف مبارزه قهرمانانه اش رژیم را به زانو نورد و از طرف دیگر حق نیست مبارزه اش برای سربازان و ارتشیان بنا- آگاه و نیز روشن میشود بطوریکه بخش بزرگی از آنان دیگر خائنان جنگ با خلق کسرت نیستند، بکار می گیرند، ولی مزدوران و سربازان حرفه ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور گردن نخواهند توانست کاری از پیش ببرند.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

فرماندار کوچصفهان فالانژها را علیه سازمان پیکار بسیج می کند

رژیم جمهوری اسلامی، ناتوان از خاموش کردن جوش انقلابی زحمتکشان ناتوان از پاسبانگوشی به بحران اقتصادی - سیاسی کشور، ناتوان از جلوگیری کردن فروریزی توهمات توده ها، ناتوانی از سدومانع شدن در برابر مستگیری توده های ناراضی بطرف نیروهای انقلابی و کمونیست، درگیر جنگ بین ایران و عراق میشود. روشن است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی در موقع جنگ ادا همان سیاست قبل از جنگش می باشد. روشن است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی بعد از جنگ ادا همان سیاست قبل از جنگ و در طی جنگش می باشد. او میخواهد کاری را که در قبل از جنگ ناتوان از آن بود، در طی جنگ و بعد از آن به انجام برساند، او میخواهد از شرایط بوجود آمده محلی سازد برای سرکوب بی امان نیروهای انقلابی و کمونیست، او میخواهد پایه های متزلزل حکومتش را در شرایط بوجود آمده استوار سازد، پس روشنتر است که بعد از حملات فاشیستی او بیشتر بسوی پیگیرترین و انقلابی ترین و سازشناپذیرترین جریان با بدیداند، این است که بطور روشن از آغاز جنگ بیشترین حملات بیشترین تهاجمات بیشترین یورش به سازمان پیکار و هواداران آن صورت می پذیرد. حوادثی که در شهر کوچصفهان از توابع لاهیجان میگردد هیچ چیز نیست جز همان سیاست سراسری رژیم جمهوری اسلامی در قبل از جنگ، در طی جنگ و بعد از آن "جنگ ادا همان سیاست است" درستی این نظراحتی کارگزاران بومی رژیم جمهوری اسلامی هم با گفتار وهم با کردار خود اثبات میکنند:

روز جمعه (۵۹/۷/۱۸) مجلس ترحیم یکی از کشته شدگان طوسی جنگ در مسجد کوچصفهان برگزار میشود. کربمی فرماندار لاهیجان که آوازه دشمنی اش با نیروهای انقلابی و کمونیست در سراسر منطقه پیچیده است در سخنرانی اش بجهت هواداران پیکار هشدار میدهد که اگر باز هم به فعالیت خود ادا بدهند همه را نابود خواهد کرد و به مردم میگوید: "هر کجا که

پیکاری ای را دیدید که علامه پخش میکند و شما زمین نویسید، حق دارید دستش را ببرید کردنش را بزنید" او میگوید: "بعد از جنگ ما با سه نیرو کار داریم: دمکرات، کومله پیکار، آری! "جنگ ادا همان سیاست است" سیاست یک طبقه معین، یک دولت معین در قبل از جنگ، در طی جنگ، در بعد از جنگ بعد از آن فالانژهای شهر در کوچ و با زار در پشت نویسی نصب کرده و با آن را روی دست گرفته و در شهر می چرخانند که: هندار به پیکار ریه ای کوچصفهان اگر باز هم به فعالیت ادا بدهید دست و سرتان را می زنیم."

روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ در تشریح جنازه یکی دیگر از کشته شدگان طی جنگ، در این شهر شعارهای تحریک کننده بر علیه سازمان پیکار داده میشود: "مرگ پیکار پیکاری" "این سند جنایت پیکار است" و با زهم در سخنرانی های همین تشیع جنازه همان هشدارها داده میشود و اینکه بعد از جنگ حسابان پاک است، آنان تهدید کردند که هیچ پیکاری از فردا حق ندارد، در شهر فعالیت کند. آری، جوفاشیستی را که کارگزاران بومی هیات حاکمه میخواهند در شهر کوچصفهان بوجود آورند جدا از سیاست آنان در سایر شهرهای ایران نیست.

آیا راه "مرز" به کردستان ختم میشود؟!

در پی تبلیغات شوینستی ارتجاع و توهم توده ها (که روز بروز میشوند) در اوائل مهر ماه ۲۰ نفر از کارکنان حفاظت فرودگاه مهرآباد اطلب اعزام به مرز عراق میشوند. آنها را به کرمانشاه می برند. فرماندهان گروه به مرزا اعزام می شود و باقی در اختیار ریه ای سداران قرار میگیرند و با سداران آنها را به کازمان میفرستند و به آنها میگویند که "با بدیدان کردارها بجنگید" او اطلبان که از عملکرد رژیم سخت عصبانی بودند با س

نحوه 'پاکسازی' خلق کرد از زبان يك 'پاسدار'

یکی از پاسداران میان دو آب در جعی از "خلع سلاح" روستا شیان کرد تعریف میکند او میگوید که "کردها بهیچ وجه حاضر نیستند اسلحه هایشان را تحویل دهند و ما پس از درگیری فراوان و بزرور شکنجه موفق می شویم ازدها خانه یک قبضه سلاح بدست بیاوریم. حتی اغلب کار به تیراندازی هم میکشد و اگر زور ما بجزید حتما درگیری - شویم مثلا در یکی ازدها که مردم مقامت میکردند و سه ساعت درگیر شدیم و پس از کشتن ۲۰ - ۱۹ نفر از آنها بقیه را فراری دادیم. خود این پاسدار سر با به افتخار به کشتن چندین زحمتکش کردا قرار میگیرد آری! خلق قهرمان کرد در راه دفاع از حقوق خویش به پیکار خونین با ارتجاع ادا می دهند و هرگز سلاح از کف نخواهد داد پیروزی او در گرو مبارزه انقلابی اوست."

شهادت رفیق رضانی

در بسیاری از مناطق مسکونی توسط رژیم ضد خلقی عراق، تعداد زیادی از زحمتکشان مبین ماه شهادت رسیدند. رفیق حمیدرضا رضانی هوادار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در کرمانشاه نیز در بسیاری از مناطق مسکونی به شهادت رسید. یادش گرامی باد.



میدهند که "ما برای جنگ با ارتش عراق آمده ایم نه با کردها". گروهی از آنها بر میگرددند و سایرین میمانند که در صورت امکان به مرزا اعزام شوند. جنگ ارتجاعی با ارتش بعث عراق مانع از آن نمیشود که سرکوب خلق کرد کارگزاران پیدا نماد رژیم در یورش جنگ با عراق مرتبا نیروهای مزدور را در کردستان تقویت میکند. ارتجاع دشمن اصلی خود را بهتر می شناسد برای او انقلاب توده ها بسیار خطرناکتر از ارتش ارتجاعی عراق است

مصاحبه با یکی از کارگران مبارز پالایشگاه نفت آبادان

آنچه در زیر می آید قسمتی از مصاحبه ای است که با یکی از کارگران مبارز آبادان در رابطه با جنگ ایران و عراق انجام گرفته است :

سوال : برخورد کارگران با مسئله جنگ آتش گرفتن و اربابین رفتن پالایشگاه چگونه بوده است ؟

جواب : در همان اوائل جنگ تحت تاثیر احساسات ناسیونالیستی کارگران و کارمندان تلاش میکردند تا جلوی صدمات را بگیرند. احساس مسئولیت شدیدی برای حفظ پالایشگاه در کارکنان دیده میشد. کارگران در جریان خاموش کردن پمپ کردن گونی های شن و خاک و جیدن آنها در جاهای حساس پالایشگاه برای حفظ دستگاهها، اجابجاشی قطعات و دور کردن آنها از نیروس توپخانه عراق و... شرکت فعال میکردند اما بدلیل کمبود امکانات و تجهیزات آتش نشانی و بدلیل وسعت بیش از حد آتش، کارگران هر چه بیشتر تلاش میکردند کمتر نتیجه میکردند. ضمناً آنها میدیدند رژیم برای حفاظت پالایشگاهی به این عظمت هیچ کاری صورت نداد و نمیدهد. تنها سه سنگری کبسه های شن وجود داشت که در آنها سه نفر با تفنگ ۳ مستقر بودند. کارگران ابتدا انتظار داشتند که وسایل دفاعی از طرف رژیم ارسال شود اما چون خبری نشد و از دست خودشان هم کاری ساخته نبود دچار احساس نا اطمینان شدند. در همین زمان میگ های عراقی به منطقه حمله کردند. مردم بیدفاع برای خروج از شهر هجوم آوردند هجوم مردم و کارگران برای رفتن از شهر به علت نبود امکانات دفاعی و بیگانگی نسبت به مسئله جنگ و آنرا از خود جدا بستن و عدم اطمینان به ارتش و دولت بود رژیم مانع برشد با تبلیغ و تهدید کارگران و کارمندان دولتی را وادار به ماندن در شهر بکند. مثلاً احضار فرهنگیان که با حمله عراق به آموزش و پرورش ۲۳ نفر از معلمین کشته شدند. در همین حال رژیم مرتب تبلیغ میکرد که این مردم هستند که در جبهه با نیروهای عراقی می جنگند. در

حرفهای مردم درباره جنگ

حالی که از ادیو و تلویزیون خویش مرتب مردم شهر و کارمندان را تهدید می نمود که اگر شهر را ترک نکنند طبق مقررات زمان جنگ با آنها رفتار خواهد کرد.

برای جلوگیری از خروج کارگران و کارمندان از شهر، مسئولین پالایشگاه فردی را بعنوان "مسئول پرسنل" انتخاب کرده که کارکنان می با مسئول روزانه خود را به او معرفی نمایند. کارگران اعتراض میکردند که جمع کردن کارگران در یک نقطه و حضور و غیاب آنها چیزی بجز دسته جمعی به قتلگاه بردن نیست. در دومین روز اجرای این برنامه با امانت راکت میگاهی عراقی به محل معرفی روزانه "ستاد عملیاتی تعمیرات صنعت نفت" ۶ کارگر کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند. این موضوع خشم کارگران را برانگیخت.

سوال : با توجه به مسائل گفته شده نظر کارگران و کارمندان درباره رژیم های ایران و عراق چیست ؟

جواب : قبل از جنگ به علت فشارهای اقتصادی و سیاسی رژیم ما نداشتیم شوراها و کمیته های دفاعی نمایندگان مبارز و با کم کردن مزایا... توهم کارگران و کارمندان به رژیم تاحدی شکسته شده بود. اما با شروع جنگ با توجه به تبلیغات شیام روزی رژیم از یک سو و وجود احساسات ناسیونالیستی توهم دوار به نسبت به رژیم و تنفر از رژیم عراق بالا گرفت. اما تدریجاً به دلیل عدم توجه به جان مردم و وجود ناشنسی و مسائل دفاعی و امنیتی در شهر، آن هیجانات ناسیونالیستی فروکش کرد و آنان به جرئت میتوان گفت که ۹۰ درصد مردم آبادان چاه آنها بی که رفته و چاه آنها بی که مانده اند خواهان قطع جنگ هستند.

سوال : با توجه به مسئله جنگ، کارگران هم اکنون به غیر از مسائل بالا که گفتید، با چه مسائل دیگری دست به گریبان هستند ؟

جواب :

مدتها قبل از جنگ رژیم به بهانه های مختلف از حقوق و مزایای کارگران کم میکرد. حالا هم رژیم از جنگ استفاده کرده و حقوق کارگران را می بردارد و بیه کارکنان میلیتی که حداکثر بیشتر از ۲۰۰۰ تومان نیست به عنوان مساعده و عیسی - الحساب میبرد. از آنجا که مشکل بزرگی برای کارکنان پیش آورده است. بخصوص اینکه اغلب کارگران و کارمندان خانواده های خود را به مناطق امن تر فرستاده اند و در حقیقت دو خرجه شده اند. علاوه بر شما ما این مسائل، مسئله از بین رفتن پالایشگاه و خطر بیگاری (کارکنان) تخمین زده اند که با سازی بعضی از قسمتهای پالایشگاه ۱۵ سال و بعضی دیگر از قسمتها حداقل ۳ سال طول خواهد کشید (نیاز وجود دارد).

کارگران و خلقهای میهن باید بدانند و آگاه باشند که هدفهای دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق چیزی جز سرکوب خلقهای خود و خلقهای کشورهای دیگر نیست و این هدفها را خلقهای زحمتکش ایران به آنها در افشاگریهای کمونیستهای واقعیتی بلکه در تجربیات روزمره خویش نیز درک میکنند.

افشاگری زن عرب

۵۹/۸/۲

در وسط جاده اربابان کرج بود که اتوبوس نگه داشت و یک زن همراه با سه بچه سوار شدند. وقتی را ننده بیلیط خوابت زن گفت که من از جنگ زده ها هستم. سه بولی دارم نه سرپناهی، مدتی است در کنار یک باغ توی بیابون زندگی میکنم چند دفعه به مسجد کرج رفته ام بولی هیچ توجه ای به ما نکرده اند. شوهرم در صنعت نفت کار میکند. آنجا مانده و برای ایمن رژیم داره چون میکنه و من و بچه ها پیش توی این شهر و آن شهر سرگردون هستیم. تابحال یکی یکتا هی همه ما کمک نکرده. در همین موقع یکی از عقب اتوبوس گفت تقصیر این عراقیهاست. زن گفت این چه حرفیه؟ وقتی ایرانیه دست خلیفان عراقی را قطع میکنند آنها هم سربازهای ما را می - کشند. من عرب هستم می دانم هر دو آنها دارند چکار میکنند، ولی حرف مرا می زنیم و از هیچ چیز ترسی ندارم بگذار اعدام کنند. موقعی که میخواست پناه ده شود بسا نا راحتی به رژیم و آخوندها فحش میداد و میگفت : این جنگ بجز بدبختی برای ما هیچ چیز دیگری ندارد.

ادامه جنگ و تشدید خفقان و سرکوب و برخورد سازشکارانه رهبری مجاهدین

ارتشیان عراق چگونه اسلام می آورند!

جنگ، تبلیغ خرافات، فریب توده‌ها

تبلیغات فریبکارانه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی، بر سر "سرهنگ موذن" و "چشم"‌ها پیش برده، انداخته اند نشان دهنده سوء استفاده سردمداران حکومت از توهمات مذهبی توده‌ها و تبلیغات سراسر دروغ و ریاکارانه آنان است. این فرومایگان ابتدا این افسران ارتش را هتاشا هی (۱) را (که جراحاتی برداشته بود) "کور" قلمداد کردند و سپس با یک "معجزه" دوباره بی‌تابش کردند. اما واقعیت چیست؟ چنان‌که این "سرهنگ" مختصر جراحات تسمی برداشته بود که احتیاج به مداوا با آنتی-بیوتیک داشت. وی با بیست دوسه روز بستار در اروپا نماند و می‌شد و طبیعتاً با بیست چشمانش را می‌پوشاندند و بعد هم در او را برمی‌داشتند که همینطور هم شد ولی در این فاصله با استفاده از تلویزیون و دیگر دستگاه‌های تبلیغاتی گوش‌کرکن او را "کور" کردند تا بعداً با یک "معجزه" شفایش دهند و با استفاده از معتقدات مذهبی مردم، حقانیت این جنگ ارتجاعی و "الهی بودن" این کارزار را تبلیغ نمایند. این سرهنگ مزدور که در بیمارستان پارس بستری بود، حالش کاملاً خوبست خودنمایش تلویزیونی که وی هنرپیشه اصلی آن بود و با فریادهای فریبکارانه و "شهادت طلبانه" اش احساسات مردم را به بازی گرفته بود، خودموید این نظراست. اما واقعیت‌های تلخ و شیرین جامعه حقایق را به مردم ما بازگو خواهد کرد و با شکستن هر چه بیشتر توهمات مردم زحمتکن دیگر جایی برای تبلیغ خرافات ریاکارانه باقی نخواهد ماند.

(۲) - وی که قبل از قیام درجه سرگردی داشت، معاون دبوی ترابری ارتش در تهران بود و درجه مزدوریش بعدی بود که بهنگامیکه در تراوج مبارزات توده‌ها در سال ۵۷، شاه‌جلاد برای انحراف افکار توده‌ها مذبح‌خانه "پیامی" سراسر فریب و ریاکارگی از اندامت "و پشتیانی" و... او بود، فرستاد وی زار زار میگریست و به کاردارها می‌گفت: "نا هتاشا را جقدر تحت فشار گذاشته‌اند که چنین نطقی فرمودند!"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مرتب دم از پناهنده شدن "برادران"، نظامی عراق به ایران می‌زند. اما خوبست واقصیت را از دهان سربازانی که در خط مقدم جبهه هستند بشنویم، سربازی که از جبهه جنگ برمیگشت می‌گفت: "ارتشیان عراق هر گاه در مکنگه قرا میگیرند و طوری محاصره میشوند که راه فرار ندارند، تا آخر پسین گلوله خود را بطرف ما تلیک کرده و پس از تمام شدن مهماتشان، دستها را بالا برده و خمیسی گویان و خنده‌کنان بطرف ما می‌آیند، با سدا ران هم‌الله کبر گویان شعار "درود بر سیرا در عراقی" میدهند، و آن‌ها را در آغوش میگیرند و بعد تبلیغات گوش‌کرکن پیرامون "اسلام آوردن" ارتشیان عراق برآه می‌اندازند. بطوری که در محاصره با یک افسر عراقی از قول وی می‌گوید: "من حالا فهمیدم که انقلاب از حوزه علمیه تم" ما در میشود." آری اسلام آوردن اینها هم مانند اسلام آوردن افسران شاهنشاهی است. رژیم جمهوری اسلامی به همه این اسلام آورده‌گان احتیاج دارد؛ اولی را برای تبلیغات و فریب مردم و دومی را برای کشتار توده‌ها.



تصویری از مبارزان خلق کرد توسط رژیم ارتجاعی عراق.

فریاد گوندشین و بازوی انقلاب ممنوع‌الانتشار اعلام شد

فریاد خیرگرازی پارس - دادستانی کل انقلاب تبعه پرسی طویجات امروز اطلاعیه‌ای باین شرح انتشار داد: **بسه تمانی** فرایین خرابیه حساس و سرشناس است اسلامی ایران و این مردم فهیمان و شهیدپرور که فرزندان خود را جهت حفظ امروز و عطف اسلام و صدور انقلاب اسلامی به تمام مملکت شتافت چنان که قربانگاه دژ حصار صدامی می‌برند، با ایثار خون ترخان ابرقوت‌های شرق و غرب و عاملین این جنگ تسمیلی را به وحشت اندازند و نیاز به عیوبت روحیه دارند. این گروه‌های باصلاح ضد امپریالیستی در روزنامه‌ها و نشریات خود عتتها این جنگ

جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصت مناسبی است تا رژیم ضدانقلابی حاکم خفقان و سرکوب را گسترش دهد. ارتجاع می‌کوشد تا انقلاب را خفه کند و در این راه کمونیست‌ها را به جوخه اعدام می‌بندد، انقلابیون را دستگیر می‌کنند و به زندان می‌اندازند و نشریات مترقی را بیش از هر زمان دیگر مورد سرکوب قرار میدهد. ارتجاع حاکم از دیرباز دشمنی خود را بطور آشکار نسبت به روزنامه‌ها و نشریات کمونیستی و انقلابی نشان داده است. او در حالیکه در این زمینه بیشترین امتیازات را به رویونیست‌های خائن مانند حزب توده و رنجبران داده است همه نشریات مترقی را ممنوع اعلام کرده است. اخیراً با استفاده از شرایط جنگ دوشربیه "فریاد گوندشین" و "بازوی انقلاب" که متعلق به سازمان مجاهدین می‌باشد را ممنوع‌الانتشار اعلام نموده. رژیم حتی از راه‌های افشاکگری از ما هیت جنگ و حقایق آن در نزد توده‌ها وحشت دارد، به این خاطر این دوشربیه را ممنوع اعلام کرد و یکبار دیگر ضدیت خود را با آگامی توده‌ها، نیروهای انقلابی و مترقی و در اینجا مجاهدین نشان میدهد. اقدام ارتجاعی جمهوری اسلامی در عین حال افشاکننده سیاست سازشکارانه رهبری مجاهدین در قبال هیات حاکمه میباشد. رهبری مجاهدین که بر اساس بنفیه از صفحه ۴

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق!